

بررسی روند شکل‌گیری قنات دولت‌آباد یزد براساس اسناد مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی

علی اصغر رمضانزاده *

مدیر مرکز بین‌المللی ایران‌شناسی جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی

ramezanzadeh@ut.ac.ir

محمدحسن بهنام‌فر

استادیار مجتمع آموزش عالی اسفراین

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2017.6080.1252

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۳

(از ص ۱۸۳ تا ۲۰۲)

چکیده

محمدتقی‌خان بافقی، حاکم یزد در دوره‌ی زندیه بود که باغ دولت‌آباد را در شهر یزد احداث کرد. او برای آبادانی هرچه بیشتر باغ، قناتی را به‌همین نام جاری ساخت. براساس وقف‌نامه‌ی برجای‌مانده، قنات دولت‌آباد از حوالی شهر مهریز در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری جنوب‌غربی شهر یزد سرچشمه می‌گرفته است. اکثر محققان ازجمله ایرج افشار، قدمت قنات دولت‌آباد را حدود دویست سال و طول آن را در مجموع ۷۰ کیلومتر ذکر کرده‌اند؛ بدین ترتیب که چندین رشته قنات در شهر مهریز به هم می‌پیوسته و بعد از مشروب کردن این شهر، توسط راهرو زیرزمینی و با طی مسافتی حدود ۳۵ کیلومتر به شهر یزد می‌رسیده است. این قنات در محله‌ی آبشاهی و خرمشاه یزد مورد استفاده واقع می‌شده و سرانجام باغ دولت‌آباد را مشروب می‌نموده است. مهم‌ترین سؤال مطرح شده این است که تمام قنات دولت‌آباد توسط محمدتقی‌خان احداث شده و یا این‌که او با تعمیر و احیای قنات قبلی موجب تغییر مسیر و نام آن‌ها شده است؟ با بررسی‌های انجام شده در میراث مکتوب ازجمله تواریخ محلی شهر یزد و وقف‌نامه‌ی موجود و همچنین بازدیدهای میدانی و بررسی‌های باستان‌شناختی، مشخص گردید که قدمت ساخت قنات دولت‌آباد به دوره‌ی شاه شجاع مظفری (آل مظفر) بازمی‌گردد. حدود دو قرن بعد محمدتقی‌خان، قنات آبشاهی را خریداری یا تصرف کرده و ضمن احیاء آن، با افزایش طول مسیر قنات، از آب آن برای آبادانی باغ دولت‌آباد بهره‌گرفته و موجب تغییر نام قنات آبشاهی به دولت‌آباد شده است؛ همچنین دو یخچال خرمشاه و دولت‌آباد درون شهر یزد وجود داشته و از آب قنات دولت‌آباد بهره می‌برده‌اند، که هر دو یخچال طی سی سال اخیر تخریب شده‌اند. نکته‌ی دیگر این‌که این قنات بعد از مشروب ساختن باغ، چرخ آسیابی را به‌گردش درمی‌آورده و تا باغ جنت‌آباد ادامه داشته و طول آن بی‌شک بیشتر از ۷۰ کیلومتر بوده است.

کلیدواژگان: شهر یزد، قنات دولت‌آباد، محمدتقی‌خان، اسناد مکتوب، داده‌های باستان‌شناسی.

مقدمه

باغ دولت‌آباد یزد، یکی از باغ‌های بزرگ ایران است که در سال ۱۱۶۰ ه.ق. و هم‌زمان با حکومت زندیه توسط محمدتقی‌خان بنا گردیده است. «خان مذکور، ابتدا قناتی به نام دولت‌آباد ایجاد کرد که ده فرسنگ دنباله آن بود. سپس از آب قنات باغ دولت‌آباد را به وجود آورد و در آن، چند دست عمارت و حوض‌ها و جدول‌های آب متعدد در فضای باغ ساخت» (افشار، ۱۳۴۸، ج ۲: ۷۳۰). رونق و آبادانی این باغ به واسطه‌ی قنات پُرآب آن بوده است. قناتی که مادرچاه یکی از شاخه‌های آن با عمق ۳۰ متر در محله‌ی مدوار مهریز در فاصله‌ی تقریبی ۴۵ کیلومتری جنوب یزد قرار گرفته و ویژگی منحصر به فرد این مادرچاه، آن است که از لابه‌لای سنگ‌های جوش متراکم، آب تراوش می‌کند (تفتی، ۱۳۸۱: ۱۵). حال این سؤال مطرح است که، قنات دولت‌آباد یزد توسط محمدتقی‌خان ایجاد شده و یا پیش از به حکومت رسیدن او نیز وجود داشته است؟ سؤال دیگر این که، اگر قنات، پیش از محمدتقی‌خان وجود داشته، ابتدا و انتهای آن کجا بوده و محمدتقی‌خان چه تغییراتی در مسیر آن ایجاد کرده است؟

روش پژوهش

اگرچه تاکنون مطالعات متعددی درباره‌ی باغ دولت‌آباد و یا قنات آن صورت گرفته، ولی به خوبی متون تاریخی مورد توجه واقع نشده و از آن مهم‌تر هیچ‌گونه تلاشی برای جستجوی شواهد باستان‌شناسی و تأیید یا رد نوشته‌های تاریخی صورت نگرفته است. در نتیجه‌ی این مقاله با رویکردی توصیفی، تاریخی-تحلیلی، که برپایه‌ی متون تاریخی و آثار و شواهد باستان‌شناسی است، سعی در مطالعه‌ی چگونگی شکل‌گیری و احیاء این قنات، و مسیر حرکت آن در شهر یزد از ابتدای ساخت تا به امروز دارد. روش پژوهش در این مقاله شامل دو مرحله‌ی کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. در مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی منابع موجود از جمله تواریخ محلی، اسناد و وقف‌نامه‌ها پرداخته شده و داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری گردیده است. در مرحله‌ی بعد و حین مطالعات میدانی، براساس داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای به دست آمده، شواهد میدانی مورد بررسی و کنکاش واقع شده است. در پی این مطالعات، نه تنها مسیر قنات آبشاهی و دولت‌آباد مشخص گردید؛ بلکه سازه‌های مرتبط با این دو قنات از جمله وجود دو یخچال و دو آسیاب نیز تأیید و مکان‌یابی شد.

بر مبنای اسناد مکتوب، به ویژه وقف‌نامه‌های موجود و داده‌های باستان‌شناسی به نظر می‌رسد بنیان قنات دولت‌آباد و انتقال آب از مهریز به یزد در دوره‌ی آل مظفر انجام پذیرفته و به قنات آبشاهی مشهور بوده است. آب این قنات پس از آن که در محله‌ی آبشاهی مورد استفاده قرار می‌گرفته، ضمن چرخاندن سنگ آسیابی تا میانه‌ی شهر یزد جریان داشته است. گرچه حیات قنات آبشاهی با افت و خیز همراه بوده، اما این قنات آب مدوار مهریز را به محله‌ی آبشاهی یزد می‌رسانده تا این که در دوره‌ی زندیه، محمدتقی‌خان با خریداری یا تصرف بخشی از سرشاخه‌ی قنات

آبشاهی و افزودن چند شاخه دیگر به سرشاخه‌های آن در مهریز، حجم آب قنات را افزایش داده است. وی، حق‌آبه‌ی محله‌ی آبشاهی را داده و مابقی را برای آبادانی باغ دولت‌آباد به آن‌جا کشیده است. درواقع محمدتقی‌خان با افزایش آب‌دهی و طول مسیر قنات آبشاهی، موجب تغییر نام قنات از آبشاهی به دولت‌آباد شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

در منابع جغرافیایی قرون اولیه‌ی اسلامی، اگرچه یزد به‌عنوان بزرگ‌ترین ناحیه‌ی کوره‌ی اصطخر معرفی شده، اما اطلاعات چندانی در رابطه با آن ارائه نشده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۳۶). به‌همین دلیل منابع مرتبط که اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌کنند، محدود می‌شوند به تواریخ محلی و وقف‌نامه‌هایی که تا به امروز در دسترس قرار گرفته‌اند؛ ازجمله «وقف‌نامه‌ی ربع رشیدی» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۶: ۱۱۷ تا ۱۴۷) و وقف‌نامه‌ی «جامع‌الخیرات» (حسینی‌یزدی، ۱۳۶۵: ۱۲۶ تا ۱۳۳) که در سال ۷۴۸ ه.ق. نوشته شده است. در میان تاریخ‌های محلی نیز تاریخ یزد نوشته‌ی جعفری و تاریخ جدید یزد تألیف احمد کاتب بسیار مشهورند (افشار، ۱۳۷۴، ج: ۱ و ۶۱ و ۶۵). یکی از مفصل‌ترین متون نگاشته شده درباره‌ی تاریخ یزد، جامع مفیدی تألیف مستوفی است که در میان سال‌های ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۰ ه.ق. و در سه جلد به‌نگارش درآمده است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰). نمونه دیگری از تواریخ محلی در دسترس شهر یزد، جامع جعفری است. این کتاب نوشته‌ی محمدحسین نائینی متخلص به «طرب» است که در سال ۱۲۴۹ ه.ق. به‌نگارش درآمده و دربردارنده‌ی تاریخ شهر یزد و حوادث تاریخی مربوط به آن در عهد پادشاهان سلسله‌های افشاریه و زندیه و دوره‌ی سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار است. در این کتاب و ذیل توضیحات راجع به قنات دولت‌آباد، اشاره شده که آب این قنات از مهریجرد (مهریز امروزی) سرچشمه می‌گرفته و با طی نُه فرسنگ به یزد می‌رسیده و آسیابی را در قریه‌ی محمدآباد چاهوک به‌گردش درمی‌آورده است (طرب نائینی، ۱۳۵۳: ۳۴۳).

کتاب یادگارهای یزد نیز یکی از مهم‌ترین منابع درباره‌ی منطقه‌ی یزد است که به‌توصیف باغ دولت‌آباد و بناهای موجود در آن پرداخته و مختصری نیز در رابطه با قنات باغ دولت‌آباد شرح داده است (افشار، ۱۳۵۴: ۷۴۶ تا ۷۲۸). در سایر مطالعات نیز نوشته‌های افشار مبنا قرار گرفته و محققان بیشتر باغ و ابنیه موجود آن را مدنظر قرارداده‌اند. درواقع قنات دولت‌آباد به‌صورت مستقل چندان مورد توجه قرار نگرفته است. منابعی که ذکر گردید نیز بیشتر می‌توانند به‌عنوان منبع اطلاعاتی در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گیرند. به‌جز پرونده‌ی قنات دولت‌آباد که در -شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد- موجود می‌باشد و بخش‌هایی از آن توسط مرتضی تفتی منتشر شده، تنها مقاله‌ی «نقش وقف‌نامه‌ی قنات دولت‌آباد یزد در پایداری مدیریت قنات» است که به وقف و نوع نگاه و استفاده از قنات دولت‌آباد در دوره‌های مختلف پرداخته است (یزدانی و سمساریزادی، ۱۳۹۰: ۱ تا ۱۰). باتوجه به آنچه ذکر شد، در مقاله‌ی حاضر برآنیم تا نحوه‌ی احداث قنات دولت‌آباد را مبنای

تحقیق قراردادده و قدمت و مسیر حرکت آن را در شهر یزد مورد بررسی قرار دهیم. برای نیل به این هدف، ابتدا بایستی پیردازیم به باغ دولت‌آباد که درواقع هدف از احداث قنات، رونق و سرسبزی آن بوده است.

باغ دولت‌آباد

باغ دولت‌آباد یزد از مشهورترین باغ‌های دوره‌ی زندیه است که در زمان کریم‌خان زند ساخته شده است. این باغ، شامل: ساختمان‌ها، حوض‌ها، آب‌نماها و درختان فراوانی بوده و نائینی در جامع جعفری به توصیف این باغ پرداخته است (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۶). براساس نوشته‌های او، این باغ به دو قسمت کلی «اندرونی» و «بیرونی» تقسیم می‌شده که بخش اندرونی که محل سکونت حاکم بوده و شامل ساختمان‌های: هشتی، بهشت آئین، حرمخانه، مطبخ، اتاق‌های خدمه، اصطبل‌های تابستانه و زمستانه، دُرشکه‌خانه، برج دیده‌بانی و آب‌انبار بوده است.

دولت‌آباد از نقطه نظر گونه‌شناسی عملکردی، باغ «سکونتگاهی-حکومتی» است. به نحوی که باغ بیرونی، محل انجام تشریفات حکومتی، مراسم ورزشی و اداره‌ی امور شهر بوده است و باغ اندرونی، بخش خصوصی و اقامتگاهی مجموعه به‌شمار می‌رفته است (حیدرنتاج، ۱۳۸۹: ۸۷). درواقع، باغ از دو جهت مورد استفاده محمدتقی‌خان بوده است؛ چراکه هم سکونتگاهی مفرح برای او و خانواده‌اش بوده و هم نشانی از اقتدار و قدرتش در شهر یزد. در این میان، سرسبزی هرچه بیشتر باغ در این شهر کویری، بر هر دو عامل یاد شده بسیار مؤثر بوده است. در نتیجه، خان قناتی را به وجود می‌آورد که به «قنات دولت‌آباد» مشهور می‌گردد و مجموعه‌ی باغ و قنات را وقف می‌کند تا برای همیشه پایدار و پابرجا بمانند.

قنات دولت‌آباد

«این قنات در گذشته‌های دور مشتمل بر نه رشته به طول مجموع ۷۰ کیلومتر بوده است و در حال حاضر تنها پنج رشته‌ی آن به نام‌های: باقرخان، تقی‌آباد، بغدادآباد، مهدی‌آباد و دولت‌آباد دایر مانده و دو رشته‌ی دیگر خشکیده‌اند. پیش‌کار این پنج شاخه در جنوب غربی و غرب شهر مهریز در جوار چشمه غربال بیز کوه ریگ و کوه مسگل که در مرکز شهر مهریز واقع هستند، قرار دارد و پنج شاخه‌ی مذکور به هم پیوسته بعد از گذشتن و گردش در کوچه‌های این شهر، توسط راهرو زیرزمینی، با طی مسافتی حدود ۳۵ کیلومتر به موازات جاده‌ی اصلی مهریز-یزد، محلات آبشاهی، خرمشاه و باغ دولت‌آباد را مشروب می‌نموده است. لازم به ذکر است که دو رشته‌ی دولت‌آباد و بغدادآباد از قدمت زیادی برخوردار هستند و سه رشته‌ی دیگر آن، یعنی شاخه‌های باقرخان، تقی‌آباد و مهدی‌آباد در زمان محمدتقی‌خان (حدود ۲۰۰ سال پیش) احداث گردیده‌اند. درواقع با حفر شاخه‌ی باقرخان تحول عمده‌ای در وضعیت آب‌دهی این قنات به وجود آمده است» (تفتی، ۱۳۸۱: ۱۵). کرامت یزدانی به گونه‌ای دیگر به این مسئله پرداخته و معتقد است قنات در دو

بازه‌ی زمانی شکل‌گرفته است. او بازه‌ی اول را از عهد ناپیدا تا ۲۵۰ سال پیش دانسته و بازه‌ی دوم را از ۲۵۰ سال پیش تاکنون برشمرده است. بنابه نوشته‌ی یزدانی، در مرحله‌ی اول، سه رشته‌های باقرخان، دولت‌آباد و تقی‌آباد از رشته‌های پنج‌گانه قنات دایر بوده که گویا آب چندانی نداشته‌اند و در مرحله‌ی دوم محمدتقی‌خان به بازسازی رشته‌های سه‌گانه‌ی باقرخان، دولت‌آباد و تقی‌آباد و نیز افزودن دو رشته‌ی دیگر به نام‌های بغدادآباد و مهدی‌آباد، فرمان داده است. این شاخه‌های پنج‌گانه، قنات دولت‌آباد را پدید می‌آوردند که از جوار چشمه‌ی باستانی غربال‌بیز آغاز می‌شده و پس از عبور از شهر مهریز و طی کردن حدود سی هزار گام، به یزد می‌رسیده است. این قنات محلات آبشاهی و خرمشاه را آبیاری می‌کرده و در ادامه به باغ دولت‌آباد وارد می‌شده و از آن جا تا امیرآباد و دروازه‌ی قرآن یزد ادامه داشته است (یزدانی و سمساریزدی، ۱۳۹۰: ۳۲).

با دقیق شدن در اسامی قنات ذکر شده، مشاهده می‌شود که مطالب یکسانند، اما در جزئیات با هم اختلاف دارند. درواقع قناتی وجود داشته و دارد، متشکل از چند شاخه و پیش‌کار که پس از اتصال به یکدیگر در شهر مهریز، آب را از مدوار به یزد منتقل می‌کرده و پس از شرب در محلات شهر از جمله آبشاهی و خرمشاه، به باغ دولت‌آباد می‌رسیده است. عمده‌ی اختلاف‌نظرها در اسامی سرشاخه‌ها و قدمت تاریخی آن‌هاست که شاید بتوان آن را ناشی از منبع اصلی محققان، یعنی کتاب جامع جعفری دانست. نویسنده‌ی این کتاب، ابتدا گزارشی مختصر از قنات دولت‌آباد ارائه می‌دهد و در ادامه اصل وقف‌نامه را ذکر می‌کند. درواقع در دو جای کتاب خود، اطلاعات را ارائه می‌کند؛ اما این اطلاعات یکسان نیستند و آن‌چه نائینی از زبان خود می‌نویسد، با آن‌چه که در متن وقف‌نامه یاد می‌کند، تفاوت دارد! در این میان عبارت پردازی زیاد از حد وی در نوشتار، مزید بر اشتباه محققان شده است. نائینی در گزارش کوتاه خود می‌نویسد دو قنات باقرآباد و بغدادآباد در شهر مهریز آن روزگار موجود بوده‌اند که البته نیمی از آب قنات بغدادآباد وقف بوده است. محمدتقی‌خان با خرید نیمی دیگر قنات بغدادآباد و پیش‌کارکنی قنات باقرآباد، این دو قنات را تصاحب کرده است. وی همچنین دو قنات جدید مهدی‌آباد و تقی‌آباد را در همان محدوده ایجاد کرده و در مجموع آب این چهار قنات را در یک کانال زیرزمینی از مهریز به یزد آورده است. به نوشته‌ی نائینی مجموعه این چهار قنات را «قنات دولت‌آباد» می‌نامیده‌اند که ربع آب آن به محله‌ی آبشاهی اختصاص داشته و سه ربع دیگر به باغ دولت‌آباد می‌رسیده است.^۱

تنها چند صفحه بعد از این گزارش و در بازنویسی اصل وقف‌نامه، نائینی به گونه‌ای دیگر مطالب را ذکر می‌کند: «... کارگزاران فرمان لازم الازعاننش در سمت شرقی دارالعباده یزد... در محلی موسوم به مهریجراد احداث و تنقیه پنج رشته قنات نمودند... اول تقی‌آباد است، دوم دولت‌آباد، و این دو رشته از احداثی‌های بندگان عظمت‌نشان عالی است که مهندس همت بلندش هر دو را از نو بنا نهاده و در زمین بکری که قابل این اساس دیده طرح ریخته، سیوم باقرآبادست و آن در اصل قناتی بود بسیار جزئی واقع در دامن کوه مذوار که قلیل آبی از آن گاهی به کام لب‌تشنگان

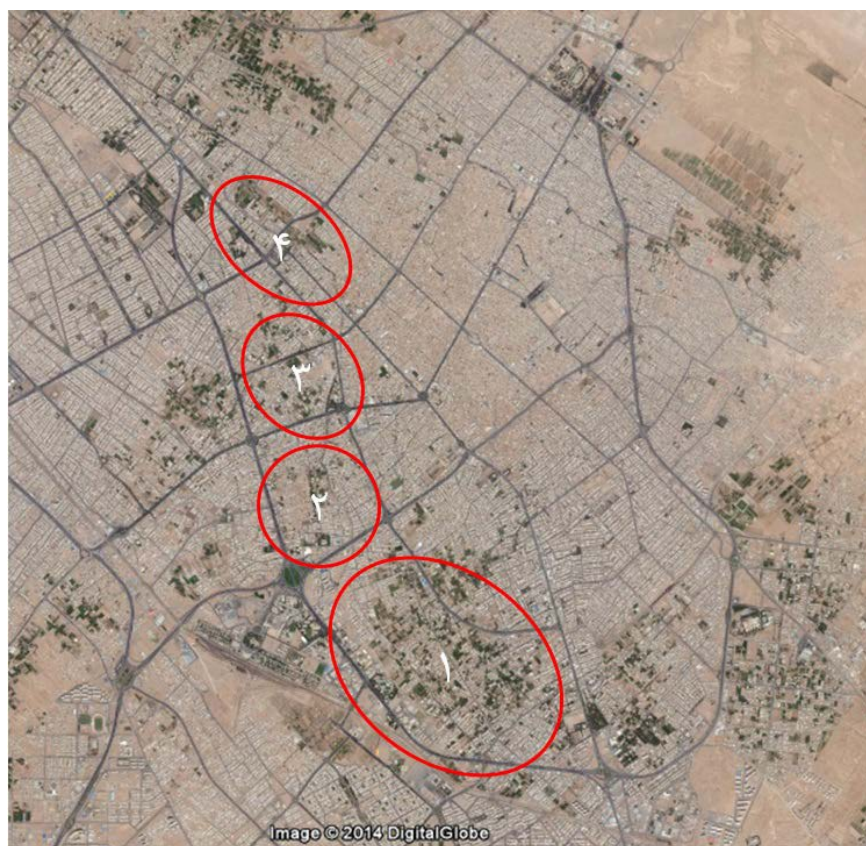
آن وادی از مرغ و ماهی می‌رسید، بلکه چاهی بود بی‌سروبن که تمام استعدادش در قوه مانده بود و مطلقاً آثار استعداد از ملاحظه آن ظاهر نبود و چون توجه خاطر فیض مظاهر عالی و تنقیه و تصفیه آن تعلق گرفت، رفته‌رفته آبی به روی کار آورد که گویا به دریا راهی پیدا کرد و یا از کف دریا نوال آن عذیم المثال استعداد همت نمود. چهارم بغداد آباد است، پنجم مهدی آباد، و این دو رشته از قدیم جاری بود. اما آبش آن قدر نبود که تشنه‌کامی از آن گلوئی تَر کند، یا پیره‌زنی سبوئی پُر کند... خلاصه آن پنج رشته که برانهار اربعه کماً و کیفاً زیادتى دارند مانند حواس خمسّه و حس مشترک بر یک مجرا که فی الحقیقه نمونه شط العرب است ریخته و از سمت قبله محل موسوم به محمدآباد گذشته بر اراضی اصل بلده فایض می‌گردد و چون در نظر آن باذل دریادل نفع اجل بر نفع عاجل بود، اولاً ربع آن قنات را به شمس آسمان عظمت و دراری فلک حشمت یعنی اولاد عظام کرام خویش به موجب تفصیل علاحدّه هبه شرعی فرمود ...» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۵۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در اصل وقف‌نامه پنج رشته قنات نام‌برده شده که تقی‌آباد و دولت‌آباد را محمدتقی‌خان احداث نموده و باقرآباد و مهدی‌آباد و بغدادآباد پیش از آن موجود بوده‌اند. به‌همین دلیل است که در نوشته‌های مختلف کمی تفاوت وجود دارد؛ چراکه برخی محققان گزارش نائینی را ملاک قرارداده‌اند و برخی دیگر، وقف‌نامه‌ای که نائینی در کتابش آورده است. آنچه مُسَلَّم است قنات دولت‌آباد متشکل بوده است از چندین شاخه‌ی قنات، که در مهریز به یکدیگر متصل می‌شده‌اند. این قنات‌ها پس از یکی شدن، آب را به روستای محمدآباد انتقال می‌داده‌اند. در این روستا، آب قنات، آسیابی را به‌گردش درمی‌آورده و در ادامه به محله‌ی آبشاهی می‌رسیده است. یک‌ربع آب قنات سهم محله‌ی آبشاهی بوده و سه‌ربع باقی‌مانده راهی باغ دولت‌آباد می‌شده است؛ اما چرا محمدتقی‌خان، ربع آب قنات را به محله‌ی آبشاهی بخشیده است؟ به‌راستی و به‌ادعای پُرمطراق متن وقف‌نامه آیا «در نظر آن باذل دریادل نفع اجل بر نفع عاجل» مطرح بوده یا این‌که دلیل دیگری وجود داشته است؟ برای پی‌جویی واقعیت ماجرا، مراجعه به سایر متون تاریخی یزد و بررسی قنات و محله‌ی آبشاهی راهگشا خواهد بود.

قنات آبشاهی

در کتاب تاریخ یزد و در رابطه با شرح محله‌ی آبشاهی چنین ذکر شده که آب این محله از جایی به نام «مدوار» تأمین می‌شده و در آن جا چند قنات به یکدیگر می‌پیوسته‌اند. این قنات ابتدا روستایی به نام «ده‌نو» که به «فتح‌آباد» نیز مشهور بوده را سیراب می‌کرده و در ادامه به محله‌ی آبشاهی می‌رسیده و آسیابی به نام «تبوک» را نیز به‌گردش درمی‌آورده است (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۶۸ تا ۱۷۷ و ۱۷۸). در جای دیگری از همین کتاب آمده است که نعیم‌آباد در جهت جنوبی شهر واقع است و باغ‌های بسیار خوبی دارد. در حدود یک فرسنگ از آسیاب تبوک تا خلف باغ^۲ عزآباد نهر آب جاری است و در دو سوی نهر درختان بید و توت وجود دارند (جعفری،

۱۳۴۳: ۱۷۲ و ۱۷۳). همین اطلاعات در کتاب تاریخ جدید یزد نیز تکرار شده است.^۳ به‌استناد نوشته‌های این دو کتاب تاریخی، می‌توان گفت که در دوره‌ی آل مظفر از مهریز تا آبشاهی قناتی وجود داشته است که سرشاخه‌ی آن متشکل از چند قنات بوده که پس اتصال به یکدیگر، آب آن در کانال زیرزمینی به این منطقه می‌رسیده و پس از آن که آسیاب تبوک را به‌گردش درمی‌آورده تا باغ عزآباد به‌صورت نه‌ری بر روی زمین روان بوده و درختان توت و بید در دوسوی آن وجود داشته است. ابتدا، لازم به توضیح است که «عزال‌دین لنگر (۶۰۴-۵۸۶ ه.ق.) از اتابکان شهر یزد بوده که باغ عزآباد و کوشکی رفیع در میان آن را در قسمت جنوب‌غربی خارج شهر یزد^۴ ساخته بود. این باغ در عصر صفوی از بین رفته و تبدیل به محله‌ای به نام «خلف باغ عزآباد» می‌شود و هم‌اکنون نیز این محله وجود دارد» (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۷۲۰ و خادم‌زاده، ۱۳۸۷: ۶). آبشاهی نیز امروزه یکی از محلات شهر یزد است (تصویر ۱). پس از بررسی باستان‌شناسی این دو محله و محلات بین آن‌ها و همچنین بررسی دقیق عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش.، نکات جالبی مشخص گردید. در بالادست محله‌ی آبشاهی میله‌های قنات خشکیده‌ی دولت‌آباد که امروزه در خیابان شهر قرار گرفته و مسدود شده‌اند، یافت شد (تصویر ۲). از سوی دیگر، درون محله‌ی آبشاهی تغاری (محل تقسیم آب) وجود دارد که درواقع مظهر آب قنات دولت‌آباد بوده است (تصویر ۳). این تغار که امروزه در عمق یک‌ونیم متری از سطح زمین قرار گرفته، گرچه دیگر تقسیم‌کننده‌ی آب قنات دولت‌آباد نیست؛



► تصویر ۱. تصویر هوایی یزد که در آن محلات آبشاهی (۱)، خرمشاه (۲)، خلف‌باغ (۳) و دولت‌آباد (۴) مشخص شده‌اند (Google Earth, 2014).

اما به سبب وجود آب چاه، همچنان فعال است (تصویر ۴). پس از این تغار و در امتداد جوی آبی که به برکت آب چاه همچنان زنده است، درختان بید کهن سال وجود دارند (تصویر ۵) و در دو سوی جوی، خانه‌های اعیانی کهنی وجود دارند که امروزه به صورت متروکه رها شده‌اند. در اواسط محله‌ی آبشاهی امروزی و درجایی که درختان بید کاهش چشمگیری دارند، کوچه‌ای وجود دارد با نام «سراسیاب» (تصویر ۶). در انتهای این کوچه که عرض بیشتری نسبت به سایر کوچه‌های مشابه دارد، درخت بیدی کهن و تغاری وجود دارد که به اذعان سالخوردگان ساکن این کوچه، روزگاری تنوره آسیایی آبی بوده است (تصویر ۷). بی شک، علت نام‌گذاری کوچه و عرض متفاوت آن، وجود همین آسیاب بوده که توسط شهرداری در دهه‌ی چهل شمسی پُر شده و سطح آن را آسفالت کرده‌اند. برخی از سالخوردگان آبشاهی



تصویر ۲. تصویر هوایی محله آبشاهی و بقایای میله‌های قنات خشکیده دولت‌آباد در خیابان بالادست محله آبشاهی (Google Earth, 2014) و نگارندگان، ۱۳۹۵.



تصویر ۳. موقعیت قرارگیری مظهر قنات در محله‌ی آبشاهی و تصویر آن (Google Earth, 2014 و نگارندگان، ۱۳۹۵).

► تصویر ۴. تغار (محل تقسیم آب) در مظهر قنات دولت‌آباد درون محله‌ی آبشاهی (نگارندگان، ۱۳۹۵).



► تصویر ۵. درختان بید کهن سال در کنار جوی آب درون محله‌ی آبشاهی (نگارندگان، ۱۳۹۵).



► تصویر ۶. کوچه سرآسیاب در محله‌ی آبشاهی و تغار انتهایی کوچه (Google Earth, ۲۰۱۴ و نگارندگان، ۱۳۹۵).



و همچنین استاد فیاض از خبرگان قنات در یزد، نام این آسیاب را «تُرک‌آباد» ذکر کرده‌اند (فیاض، مصاحبه‌شونده، ۱۳۹۳/۰۷/۲۱).
در پشت کوچه‌ی سرآسیاب بستر رودخانه‌ی خشک شهر یزد شروع می‌شود. این رودخانه که به عبارت بهتر مسیل بوده، با عبور از محله‌ی خرمشاه به محله‌ی



تصویر ۷. کوچه‌ی سرآسیاب با عرض نسبتاً زیاد و تغار آن با درخت بید کهن سال (نگارندگان، ۱۳۹۵). ◀



تصویر ۸. رودخانه‌ی خشک و عبور آن از محلات خرمشاه و خلف باغ (آرشیو شهرداری یزد). ◀

خلف باغ می‌رسد. این مسیل از چندین محله‌ی دیگر نیز عبور می‌کند و سرانجام در امتداد باغ دولت آباد و در زمین‌های پست کنار آن محو می‌شود (تصاویر ۸ و ۹). اگر اطلاعات مندرج در تواریخ یزد را با توجه به مستندات باستان‌شناسی مدنظر قرار دهیم، می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری نماییم که «شاه یحیی مظفری» با ایجاد قناتی از مهریز به سمت یزد، آب را به محله‌ی جدید الاحداث خود رسانده و این



▲ تصویر ۹. رودخانه‌ی خشک و محلات شهر
در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. در تصویر
محلات آبشاهی (۱)، خرمشاه (۲)، خلف‌باغ (۳)
و باغ دولت‌آباد (۴) مشخص شده‌اند. (آرشیو
میراث فرهنگی یزد).

محله و قنات به نام «آبشاهی» مشهور شده‌اند. روستایی به نام «ده‌نو» که مابین یزد و مهریز قرار دارد نیز از آب این قنات بهره‌مند می‌شده است. بی‌شک درختان بید امروزی را می‌توان پاجوش‌های درختان سابق دانست؛ چراکه عمر درخت بید به صد سال نمی‌رسد. اما اهمیت درخت در یزد از یک سو و استفاده از جوی برای انتقال آب چاه پس از خشک شدن قنات از سوی دیگر، باعث شده که این درختان در همان مسیر تکثیر شوند و تا به امروز برجای مانند. این مسئله در سایر محلات شهر هم دیده می‌شود به گونه‌ای که در برخی مسیرها، قنات و جوی آن از بین رفته، اما امتداد درختان کاشته شده در جوار جوی همچنان پابرجا هستند.

به نظر می‌رسد بخشی از قنات آبشاهی به اراضی و باغات این محله اختصاص داشته و در آن دوران باعث سرسبزی فاصله‌ی میان محله‌ی آبشاهی تا خرمشاه شده است. بخش دیگری از آب قنات نیز در آسیای تبوک که به احتمال زیاد همین آسیای شناسایی شده است، به اعماق زمین می‌رفته و در محله‌ی خرمشاه مجدداً به جوی اصلی می‌پیوسته و این آب در مسیر رودخانه‌ی فعلی تا محله‌ی خلف‌باغ امروزی ادامه داشته است. به همین دلیل است که کاتب می‌نویسد: «و از آن مقام که آسیای امیر تبوک است تا باغ عزآباد عمارات و باغات است» (کاتب، ۲۵۳۷: ۲۰۹).

نکته‌ی دیگری که کاتب آن را بر ما متذکر می‌شود و از قضا در روزگار خود او اتفاق افتاده، سیلی است که در سال ۸۶۰ ه.ق. رُخ داده است. وی می‌نویسد در بعدازظهر روز چهارشنبه بیست و سوم فروردین ماه سال مذکور، از سمت کوه دولوه سیل به سمت شهر جاری شده و بیشتر قنات‌های رستاق که از طرف مهریجرده جاری بوده از سیل مملو شده و تخریب می‌شوند. او همچنین برخی محلات شهر را ذکر می‌کند که در اثر سیل تخریب شده‌اند. این محلات عبارتند از: محله‌ی دهوک اعلی و سفلی و کوچه‌ی باغ صوفیان، اسکندریه، باغ کمال، مصلی عتیق، تازیان، غازیان و بعضی محلات در مدرسه‌ی عبدالقادریه و پشت باغ عزآباد و محله‌ی کوچه خطیر تا چهارمنار (کاتب، ۲۵۳۷: ۲۷۶ و ۲۷۸). مستوفی بافقی، دیگر تاریخ نگار محلی یزد نیز در کتاب خود این سیل را یادآور شده است؛ اما نه او و نه کاتب، محلات را به ترتیب نام نمی‌برند و برخی از نام‌ها نیز همچنان ناشناخته‌اند. باوجود این، می‌توان چنین پنداشت که سیل از سوی مهریجرده یا همان مهریز امروزی آمده و تا محلات خلف‌باغ عزآباد و چهارمنار خرابی برجای گذاشته است. از آن جا که در میان محلات تخریب شده، اسمی از محله‌ی آبشاهی برده نمی‌شود، می‌توان چنین احتمال داد که آسیبی به محله‌ی آبشاهی وارد نیامده است. شاید به همین دلیل است که رودخانه‌ی خشک یزد نیز در جوار محله‌ی آبشاهی شروع می‌شود و می‌توان گفت سیل سال ۸۶۰ ه.ق.، درختان و جوی آبشاهی حدفاصل آسیای تبوک تا خلف‌باغ عزآباد را تخریب کرده است (تصویر ۱۰).

باتوجه به آن چه مطرح شد، به نظر می‌رسد مدار قنات آبشاهی برقرار بوده و بعداز این نوع سیلاب‌ها مردم از روستای ده‌نو، آب قنات را از طریق جوی برروی سطح زمین، منتقل می‌کردند تا مجدداً قنات را احیا کنند. به‌گواه سالخوردگان محله‌ی آبشاهی، این شیوه تا حدود پنجاه سال پیش که قنات دولت‌آباد دایر



تصویر ۱۰. عبور رودخانه‌ی خشک در کنار محله‌ی آبشاهی و بقایای عبور آب‌های سطحی به سمت مسیل در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. (آرشیو میراث فرهنگی یزد). ◀

بوده، انجام می‌شده است.^۶
حال، با مشخص شدن وضعیت قنات آبشاهی، بهتر می‌توان در اوضاع قنات دولت‌آباد تجسس کرد.

بازنگری روند شکل‌گیری قنات دولت‌آباد

آن‌گونه که نائینی‌طرب می‌نویسد، یکی از سرشاخه‌های قدیمی قنات دولت‌آباد، «بغدادآباد» نام داشته و این نام همچنان بر محله‌ای در شهر مهریز امروزی باقی مانده است. با جستجو در منابع قدیمی‌تر، از جمله در وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات، به قناتی برمی‌خوریم به نام «بغدادآباد» که بخشی از آن توسط سیدرکن‌الدین وقف شده است. اگرچه در وقف‌نامه اشاره‌ای به مسیر قنات بغدادآباد نشده، اما در کنار نام بغدادآباد، از قنات وقفی «ارزاندازان» در همان محل یاد شده است (حسینی‌یزدی، ۱۳۶۵: ۱۱۶ و افشار، ۱۳۴۸، ج ۲: ۴۷۰). استاد محمد رضا فیاض (از مقنیان با سابقه‌ی یزد) در رابطه با قنات بغدادآباد چنین نوشته‌اند که قنات بغدادآباد با شش کیلومتر طول، از چهار شاخه تشکیل شده که یکی از این شاخه‌ها «ارزاندازان» نام دارد. استاد فیاض همچنین به نقل از عموی خود به وقفی بودن آب بغدادآباد و ارزاندازان اشاره کرده‌اند (فیاض، ۱۳۹۲: ۳). از سوی دیگر، هم در گزارش نائینی و هم در وقف‌نامه‌ی مندرج در آن، سرشاخه‌های بغدادآباد و باقرآباد رشته‌های قدیمی‌تر قنات دولت‌آباد ذکر

شده‌اند. در نتیجه باتوجه با مسیر، سرچشمه و منبع آب، و همچنین مظهر قنات که در محله‌ی آبشاهی بوده است، می‌توان چنین احتمال داد که دو قنات بغدادآباد و باقرآباد از جمله سرشاخه‌های قنات آبشاهی بوده‌اند که در تاریخ یزد آورده شده، اما نام آن‌ها ذکر نگردیده است. به‌ویژه که جعفری در تاریخ یزد می‌نویسد: «منابع این [آب] مدوار است، و چند قنات دیگر بدان منضم می‌شود» (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۶۸). پس می‌توان گفت، قنات آبشاهی که شاه یحیی آن را احداث نموده با حداقل دو سرشاخه‌ی بغدادآباد و باقرآباد، بن‌مایه‌ی اصلی احداث قنات دولت‌آباد قرار گرفته است.^۷

این احتمال، زمانی قوت می‌یابد که تأملی در نحوه‌ی وقف قنات دولت‌آباد توسط محمدتقی‌خان نیز داشته باشیم. در متن وقف‌نامه چنین آمده است که «بعد از اتمام و سرانجام و تنظیم و تنسیق اعیان مذکوره مفصله از روی نیت صادق و عزم درست و... وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد مخلد ملی فرمودند همگی و تمامی خمس مشاع از پنج قنات مذکوره را بعد از وضع ربع مسطور و بعد از وضع نصف از قنات بغدادآباد که داخل وقف نیست با تمامی باغ و عمارات مسطوره و میدان جلوخان و طویله و قطعه زمینی که در سمت مغربی شمالی باغ دولت‌آباد است... بر حرم مقدس... و باید متولی شرعی آن «و سیدکرمن هو خمس» میاه قنات خمس را در هر موضعی که صلاح و مصلحت داند مقسم بسته جدا نماید و از باغ دولت‌آباد گذرانیده... بر اراضی موقوفه فایض سازد. و بر هیچ احدی مباح و روا نیست که پیش از گذشتن از باغ مذکور در آن تصرف نماید، اگرچه فی‌المثل همه آب دادن یک وجب زمین باشد مگر در صورتی که بجهت آفت سماوی کمی آب بجائی برسد که گذشتن آن از باغ ممکن نباشد» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۰).

بی‌شک محمدتقی‌خان که آب دادن یک وجب زمین پیش از رسیدن آب به باغش را ممنوع کرده، الزام شرعی داشته که نصف قنات بغدادآباد را خارج از وقف برشمرده است. درواقع، این همان سهم یا حق‌آبه‌ی محله‌ی بغدادآباد مهریز بوده که در جامع/الخیرات ذکر شده است. نکته‌ی دیگر در عبارت «ربع مسطور» است که اشاره دارد به همان سهم یا حق‌آبه‌ی محله‌ی آبشاهی؛ اگرچه نویسنده با عبارت پردازی بخشیدن ربع آب قنات به محله‌ی آبشاهی را «در نظر آن باذل دریادل، نفع اجل بر نفع عاجل» برمی‌شمارد؛ اما می‌توان چنین پنداشت که در زمان محمدتقی‌خان، قنات آبشاهی جریان داشته و آب را از مهریز به این محله می‌رسانده است. در غیر این صورت چه نیازی وجود داشت که خان، ربع آب قنات خود را به این محله ببخشد؟

در حقیقت به امر خان، با پیش‌کارکنی قنات آبشاهی و افزودن چند رشته به سرشاخه‌های آن، موجب افزایش حجم آب قنات آبشاهی شده و از کانال قنات آبشاهی استفاده کرده و آب را به شهر یزد آورده‌اند. در مظهر قنات دولت‌آباد درون محله‌ی آبشاهی، تغاری ساخته‌اند که ربع آب را به این محله می‌داده و سه چهارم آب قنات از طریق آسیای تبوک به زیرزمین منتقل می‌شده است؛ چراکه در زمان حیات خان، کسی حق استفاده از آب مابین محله‌ی آبشاهی تا باغ دولت‌آباد را

نداشته است.

باتوجه به این قانون، می‌توان چنین حدس زد که اولاً در زمان حیات خان، حدفاصل محله‌ی آبشاهی تا باغ دولت‌آباد اگر هم باغی وجود داشته، از آب قنات دولت‌آباد مشروب نمی‌شده است. ثانیاً آب نسبتاً زیادی به باغ می‌رسیده است که پس از مشروب کردن باغ دولت‌آباد، تا باغ دیگری به نام «جنت‌آباد» ادامه می‌یافته است. از توصیفات نائینی^۸ چنین برمی‌آید که جنت‌آباد جایی بوده است متشکل از باغ، ساباط، خان یا کاروانسرا و مصنعه یا آب‌انبار؛ و آب قنات دولت‌آباد تا آن‌جا ادامه می‌یافته است. موقعیت باغ جنت‌آباد را بر مبنای شرح آسیای ساخته شده^۹ توسط محمدتقی‌خان که در وقف‌نامه ذکر شده می‌توان مشخص نمود؛ چراکه آسیاب و کاروانسرا و مصنعه در مسیر یزد به خراسان و در کنار یکدیگر بوده‌اند. از سوی دیگر، باغ جنت‌آباد نیز در همان حوالی بوده است. در بررسی باستان‌شناسی شمال‌غربی باغ دولت‌آباد، در حدود فاصله‌ی یک کیلومتری و دقیقاً در امتداد محور باغ، محلی موسوم به «آسیاب خرابه» مشخص گردید که تا حدود چهل سال پیش بقایای آن نیز برجای بوده است. خوشبختانه این آسیاب به همراه کاروانسرای معرفی شده در جامع مفیدی در تصاویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. کاملاً مشخص هستند (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

پس، می‌توان چنین پنداشت که آب قنات دولت‌آباد تا مصنعه‌ی جنب کاروانسرا ادامه داشته است و در روزگار حیات خان، حجم آب به‌حدی بوده که سنگ آسیاب را نیز به‌گردش درمی‌آورده است. نکته‌ی قابل‌تأمل در رابطه با این آسیاب و باغ جنت‌آباد که در جامع جعفری مطرح شده - اما در عبارت‌پردازی فراوان نویسندگان کمتر به چشم می‌آید - تخریب این اماکن در کمتر از یک قرن است؛ چراکه محمدتقی‌خان در سال ۱۱۶۰ ه.ق. باغ دولت‌آباد را ساخته و نائینی در سال ۱۲۴۹ ه.ق. کتاب خود را نگاشته است. نائینی در آخرین جمله‌ی توصیف باغ جنت‌آباد می‌نویسد: «اما اکنون از حلیه‌ی آبادی عاطل است و به تشبیه درون عاشقان خراب و ویران افتاده و علامتی از آن نیست» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۸). و در رابطه با



تصویر ۱۱. موقعیت باغ دولت‌آباد و کاروانسرا در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. (آرشیو میراث فرهنگی یزد). ◀

► تصویر ۱۲. محلی موسوم به آسیاب خرابه در حال حاضر (Google Earth, 2014).



آسیاب می‌گوید: «ولیکن در این عهد پا از دایره آبادی بیرون دارد و مسلک خرابی و ویرانی می‌سپارد» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۸)؛ پس، می‌توان نتیجه گرفت که باوجود عبارت‌پردازی‌های نائینی، در روزگار حیات او، آسیاب ویرانه‌ای بوده و باغ جنت‌آباد کاملاً از بین رفته بوده است.

شاید بتوان یکی از دلایل این تخریب زود هنگام را کم‌شدن آب قنات دولت‌آباد در اثر شرب بیش از اندازه در بالادست باغ دولت‌آباد دانست؛ چراکه نائینی باغ‌های فراوانی را در حدفاصل دروازه‌ی چهارمنار تا باغ دولت‌آباد و بعد از باغ دولت‌آباد، نام می‌برد که همگی از آب قنات دولت‌آباد مشروب می‌شده‌اند (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۷۷ تا ۳۷۰). ایجاد این باغ‌ها که اکثر آن‌ها در روزگار نویسنده آباد بوده، نشان از عدم رعایت قانون منع برداشت آب قبل از رسیدن به باغ دولت‌آباد و بی‌توجهی به وقف‌نامه را نشان می‌دهد و از سویی باعث از بین رفتن جنت‌آباد و کاروانسرا و آسیاب آن شده است.

این روند در سال‌های بعد، به جایی رسیده که در محله‌ی خرمشاه نیز تغاری ساخته‌اند و تا حدود پنجاه سال پیش و قبل از خشک‌شدن قنات دولت‌آباد، بخشی از آب قنات دولت‌آباد را به محله‌ی خرمشاه اختصاص داده‌اند (تصویر ۱۳). محمدرضا فیاض نیز تصریح کرده است که «۴۱۶ جرعه از ۲۰۸۰ جرعه آب قنات دولت‌آباد از موقوفات محمدتقی‌خان است و بقیه متعلق به فرزندان و اعقاب خان بوده که اغلب به مردم و شاربیین فروخته شده و امروز در میان بازماندگان مالکین اصلی، مالکین زیادی دارد» (فیاض، ۱۳۹۳: ۲).

لازم به ذکر است، در حال حاضر آب قنات دولت‌آباد به حدی کم‌شده که از مهریز نهایتاً به روستای دهنو می‌رسد و تمام آن در همانجا مصرف می‌گردد و محلات آبشاهی، خرمشاه و باغ دولت‌آباد نیز به مدد چاه‌های عمیق همچنان سرسبز و آبادان هستند.

قنات دولت‌آباد و یخچال‌های وابسته به آن

در بررسی مسیر عبور قنات دولت‌آباد درون شهر یزد و همچنین در بررسی عکس‌های



تصویر ۱۳. موقعیت و تصویر تفرار خرمشاه
(Google Earth, 2014 و نگارندگان، ۱۳۹۵).

هوایی، بقایای دو یخچال مشخص گردید که یکی در محله‌ی خرمشاه و دیگری در نزدیکی باغ دولت‌آباد وجود داشته‌اند؛ گرچه امروزه این دو یخچال تخریب شده‌اند و اثری از آن‌ها برجای نمانده، اما در عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. و ۱۳۵۹ ه.ش. مشخص هستند و می‌توان گفت، تخریب آن‌ها در ۳۵ سال گذشته اتفاق افتاده است (تصاویر ۱۴ تا ۱۶). متأسفانه در متون تاریخی مطلبی در رابطه با یخچال خرمشاه یافت نشد، اما در رابطه با یخچال دولت‌آباد در جامع جعفری اشاره‌ای به یخچال دولت‌آباد وجود دارد، بدین مضمون که در جریان حمله به باغ دولت‌آباد، مهاجمان در حوالی یخچال اردو زده‌اند (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۴۵۱). سبک معماری یخچال خرمشاه و جایگاه قرارگیری آن باتوجه به سیل سال ۸۶۰ ه.ق.، این



تصویر ۱۴. موقعیت یخچال خرمشاه در
تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. (آرشیو
میراث فرهنگی).



► تصویر ۱۵. وضعیت یخچال خرمشاه در تصویر هوایی سال ۱۳۵۹ ه.ش. و حال حاضر (آرشیو میراث فرهنگی و Google Earth, 2014).



► تصویر ۱۶. وضعیت یخچال دولت‌آباد در تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. و حال حاضر (آرشیو میراث فرهنگی و Google Earth, 2014).

گمان را تقویت می‌کند که این یخچال در دوره‌ی قاجار ساخته شده باشد. باتوجه به تحقیقات صورت‌گرفته می‌توان چنین حدس زد که آب قنات دولت‌آباد پس از ورود به آسیای تبوک در انتهای محله‌ی آبشاهی و در محل یخچال خرمشاه به سطح زمین می‌رسیده و احتمالاً در فصل زمستان مورد استفاده بوده است. همین عمل در محل یخچال دولت‌آباد که امروزه به منازل مسکونی و مسجد تبدیل شده نیز انجام می‌گرفته و پس از آن، آب در باغ دولت‌آباد شرب می‌شده است.

نتیجه‌گیری

قنات دولت‌آباد یکی از قنات‌های شهر یزد بوده و هست که از شهر مهریز تا یزد ادامه داشته و در طول دوره‌ی حیات خود دچار تغییر و تحولات فراوانی شده و بی‌شک این تغییرات در ساختار شهری یزد نیز مؤثر بوده است. به نظر می‌رسد در ابتدای امر و در روستای بغدادآباد که امروزه محله‌ای از شهر مهریز است، قناتی وجود داشته به نام همین روستا، که سیدرکن‌الدین نیمی از سهام آن را خریده و وقف بر مدرسه‌ی رکنیه کرده است. در همین ایام و به امر شاه یحیی مظفری قنات باقرآباد

را هم به آب قنات بغدادآباد در مهریز، می‌آمیزند و آب آن را برای شرب و کشاورزی به روستای فتح‌آباد (ده‌نو) و از آن جا به نعیم‌آباد (آبشاهی) می‌رسانند.

این قنات که در آن روزگار «آبشاهی» نام داشته پس از مشروب ساختن محله‌ی نعیم‌آباد، آسیابی به نام «تبوک» را در این محله به‌گردش درمی‌آورده و آب آن در نه‌ری به سمت باغ عزآباد روانه می‌شده است. در آن دوران، حدفاصل محله‌ی آبشاهی تا باغ عزآباد که این نه‌ر جاری بوده، درختان بید وجود داشته و سرسبزی و آبادانی این محدوده را باعث گردیده بود. در سال ۸۶۰ ه.ق. سیلابی در شهر اتفاق می‌افتد که از قرار این نه‌ر و درختان اطراف آن را به‌کلی از بین می‌برد. با این وجود مدار آب قنات آبشاهی از مهریز تا محله‌ی آبشاهی همچنان پابرجا بوده است.

سال‌ها بعد و در دوره‌ی اقتدار محمدتقی‌خان، به جهت رفع نیاز آب باغ دولت‌آباد که درواقع مقر اصلی حکومت وی در یزد بوده، در محله‌ی مدوار مهریز، دو رشته قنات حفر می‌شود به نام‌های «تقی‌آباد» و «دولت‌آباد». از آن جاکه حفر قنات پرهزینه بوده، وی از قدرت خود استفاده کرده و از کانال موجود قنات آبشاهی استفاده می‌کند و از طریق آن، آب را راهی شهر یزد می‌نماید. محمدتقی‌خان برای رضایت اهالی، سهم آب محله‌ی بغدادآباد را در همان محل جدا می‌کند و حق‌آبه‌ی محله‌ی آبشاهی را نیز یک‌چهارم از کل آب باغ دولت‌آباد قرار می‌دهد.

درواقع سه‌چهارم آب قنات دولت‌آباد در محله‌ی آبشاهی در زورنای آسیای تبوک به اعماق زمین می‌رفته و در حوالی باغ دولت‌آباد به روی زمین می‌آمده است. در دوره‌ی محمدتقی‌خان، یخچال بزرگی در نزدیکی باغ وجود داشته که می‌توان گفت در حوالی مظهر آب بوده است. این آب پس از مشروب ساختن باغ به سمت باغ جنت‌آباد ادامه می‌یافته و در آن مسیر، آب‌انبار کاروانسرا و چرخ یک آسیای آبی را نیز به حرکت درمی‌آورده است. اما حیات این کاروانسرا و آسیاب چندان دوام نیافته چراکه نیم‌قرن پس از محمدتقی‌خان، نوادگان وی اقدام به ساخت باغ‌های فراوان، به‌ویژه در حدفاصل محله‌ی آبشاهی تا باغ دولت‌آباد می‌کنند و بدین ترتیب کمبود آب، منجر به نابودی باغ جنت‌آباد و آسیاب آن می‌شود؛ این روند ادامه می‌یابد تا جایی که در دوره‌ی قاجار، اعقاب و فرزندان خان، حق آب خود از آب قنات دولت‌آباد را به مردم محله‌ی خرمشاه اجاره داده و یا می‌فروشند. احتمالاً در همان دوران یخچال خرمشاه نیز ساخته شده است. یخچالی که به همراه یخچال باغ دولت‌آباد در طی سی و پنج سال اخیر تخریب شدند و دیگر اثری از آن‌ها برجای نمانده است.

پی‌نوشت

۱. اصل نوشته‌ی نائینی چنین است: «تخمیناً معادل پانصد درب باغ و مساوی دوهزار جریب زمین از آن آب شاداب است... منبع و مظهر آن هر دو در بلوک مهریجرد است... و در ساحت نه فرسنگ زمین ممری به جهت آن آب حفر فرموده از بلوک مهریجرد به حوالی ولایت کشانیدند و در حومه شهر به زراعت رسانیدند و آسیابی در قریه محمدآباد چاهوک که واسطه میان مهریجرد و شهر است بنا فرموده، از آن آب دائر ساختند... بالجملة بنای قنات مزبور بر چهار رشته قنات است... رشته اول قنات مسمی به باقرآبادست که در اصل مرغابی بود و بعد از انتقال به نواب جنت مآب خان مغفور سعید آبی بر روی کارش آمد... رشته دوم قنات مسمی به مهدی‌آبادست که خان سعید مغفور به نفس نفیس احداث فرموده‌اند. رشته سیم قنات مسمی به تقی‌آباد که نیز از آفتاب احداث آن بزرگوار پرتو حدوث بر ساحت آن تافته و به اسم مبارک ایشان شرف تسمیت یافته. رشته چهارم نصفه از قنات قدیمه بغدادآبادست که منتقل به خود فرموده مساعی بزرگانه در افزایش آب آن ظاهر نموده‌اند. و این چهار رشته قنات را بر روی هم مسمی به قنات دولت‌آباد ساخت از ساحت

مهریچرد به عرصه حومه شهر چنان‌که مسطور گشت جاری گردانیده و در موضع آبشاهی ربع از قنات دولت‌آباد را مغروز نموده و به اولاد فرخنده نهاد خود بخشیده‌اند و سه ربع دیگر را به حومه آورده ربعی از آن سه ربع را به ضمیمه باغ دولت‌آباد که نیز از ابنیه آن بزرگوارست با اراضی تابعه باغ مزبور وقف بر چهارده معصوم فرموده‌اند» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۴۴).

۲. در منابع «پشت‌باغ» هم نوشته‌اند.

۳. احمد کاتب در ذکر باغات نعیم‌آباد می‌نویسد: «نعیم‌آباد از استحداث نصره الدین شاه یحیی است، و همچنین فتح‌آباد مشهور به «ده‌نو»، و نعیم‌آباد به «آب‌شاهی» مشهور است. باغستانی به غایت نزه دارد. و بر طریق اهرستان بر کنار آب از دو طرف درخت بید نشانیده‌اند و منبع آب او از ولایت مهریچرد است و بیشتر از «مدوار» جاری می‌گردد، و آبی به‌غایت خوب و گوارنده است. و بسیار باغات و عمارات برین آب ساخته‌اند، و از آن مقام که آسیای امیر تبوک است تا باغ عزآباد عمارات و باغات است» (کاتب، ۱۳۳۷: ۲۰۹).

۴. مقصود، شهر یزد در آن روزگار است؛ چراکه امروزه محله‌ی خلف‌باغ در میان شهر واقع است.

۵. «و چون سته ستین و ثمانمانه رخ نمود باز بتقدیر قادر مختار اهالی و رعایای این دیار از صغار و کبار در بحراندیشه و اضطراب افتاده غریق بحر فنا گشتند. تبیین این بیان را کمیت قلم در بحراندیشه بشناوری درآمده بر صفحه عرض جولان [می‌دهد] که در اول فروردین ماه سته مزبوره ابر بهاری بر احوال ساکنان این خطه نالان و بر مصیبت ایشان گریان گردید تا عصر روز چهارشنبه و سوم ماه مذکور از طرف کوه دودلووه سیلی عظیم روی شهر نهاد. اکثر قنات که از طرف مهریچرد جاری و دره گذر سیل واقع بود خراب گردید و باغستان و شانزده محله از محلات خارج شهر با زمین هموار گردید که سواى عمارات عالیّه دیگر عمارتی نماند برین تفصیل: ۱- دهوک‌علی، ۲- دهوک‌سفلی، ۳- کوچه باغ صوفیان، ۴- اسکندریه، ۵- باغ کمال، ۶- مصلی عتیق، ۷- [از غازیان ۹- در مدرسه عبد القادریه، ۱۰- خلف باغ عزآباد، ۱۱- کوچه حظیره، ۱۲- چهار منار، ۱۳- سرریگ، ۱۴- کوچه نو، ۱۵- کوچه کنج (کذا)، ۱۶- سر پلوك. و بسیاری از مساجد و مدارس و خوانق و حمامات و بیوتات و حوانیت و بساتین و خانات را خراب کرده [از راه کاریز و پایاب آب در خانه‌های اندرون شهر جوشیده عمارات عالیّه خراب گردید» (مستوفی‌یافقی، ۱۳۴۰: ۲۰۷ و ۲۰۸).

۶. گفتگو با تعدادی از پیرمردان در مسجد محله‌ی آبشاهی، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۳.

۷. شاید سرشاخه‌ی مهدی‌آباد نیز جزو سرشاخه‌های این قنات بوده است و شاید هم در دوره‌ی محمدتقی‌خان اضافه شده است؛ درحال حاضر این نکته بر ما معلوم نیست.

۸. «و از جمله آیات سعادت و آثار نیکویی و مبرت آن متنعم ریاض جنت بنای باغ جنت‌آباد است در خارج شهر دارالعباده یزد به سمت خراسان که وقف مؤید صحیح شرعی و حبس مخلص صریح ملی بر امام ثامن... گردیده و قبل از احداث قنات مبارکه دولت‌آباد پا به دایره حدوث گذاشته و در تصاریف آن زمان از آب اهرستان مشروب می‌گشته. بعد ما که آب قنات مزبور مانند سرشک دیده عاشقان مهجور روان می‌گردد شرایط شرب آن بدان آب سمت تقدیم می‌یابد. اما اکنون از حلیه آبادی عاقل است و به تشبه درون عاشقان خراب و ویران افتاده و علامتی از آن نیست» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۸). وی در بخش دیگری از وقف‌نامه چنین آورده است: «و از مداخل تمام آن اعیان بعد از وضع حواله جات دیوان و تنقیه القنات و تعمیر اراضی و مرمت عمارات موقوفه و عمارات موضوع جنت‌آباد از خان و سباط و مصنعه و میاه بجهت موقوفه مصنعه جنت‌آباد اولاً خمس را به اذای حق التولیه تصرف نماید و چهار خمس دیگر را صرق روضات عالیات عرش درجات نماید» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۰).

۹. «و از جمله آثار نیک آن دوار بی‌انبار و شریک طاحونه‌ایست واقعه در مقام مزبور (منظور نزدیک مصنعه‌ای واقع در حوالی باغ دولت‌آباد) که به‌دستور آسیای آسمان در تصاریف لیالی و ایام سرگرم دوران است و آرد نان سالیانه قطن آن سرزمین را نیکو ضمان. الحق تا رحای دوار گردون به عمل ادارت آب روان تقدیر به دوران مقرون است آسیائی بدان خوبی و طاحونه‌ای به صفت آن در غایت استحسان و کمال مرغوبی دیده کمتر دیده و سامعه به ندرت شنیده، ولیکن در این عهد پا از دایره آبادی بیرون دارد و مسلک خرابی و ویرانی می‌سپارد. و از جمله مبانی مستحکمه آن معمار سرای اقتدار کاروانسرای است که سمت ملاحظت و مصاقبت بر آن مصنعه و طاحونه دارد، خارج شهر فرموده‌اند و محط رحال کاروانان اصفهان و کاشان و طهران و قزوین و سمنان و دامغان و آذربایجان و نظایر آن‌ها می‌باشد و با آن طاحونه و مصنعه مزبوره در یک محل واقع می‌باشد» (طرب‌نائینی، ۱۳۵۳: ۳۶۷ و ۳۶۸).

کتابنامه

- ابن‌حوقل، ۱۳۴۵، *صورةالأرض*، ترجمه و تصحیح: دکتر جعفر شعار، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- اصطخری، ابواسحق، ۱۳۷۳، *مسالك و ممالك*، ترجمه‌ی اسعدبن‌عبدالله تستری، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: مجموعه‌ی انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- افشار، ایرج، ۱۳۴۸، *یادگارهای یزد: معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- افشار، ایرج: ۱۳۷۴، *یزدنامه*، جلد اول، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- آیتی، محمدحسین: ۱۳۱۷، *تاریخ یزد یا آتشکده یزدان*، یزد: گلبهار.

- تفتی، مرتضی، ۱۳۸۱، معرفی برخی از ابنیه آبی استان یزد، یزد: روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن: ۱۳۴۳، تاریخ یزد، به تصحیح: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- حسینی یزدی، سید رکن الدین، ۱۳۶۵، جامع‌الخیرات، ترجمه‌ی سید جعفر غصبان، یزد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.
- حسینی، اکرم، ۱۳۸۲، سیمای میراث فرهنگی یزد، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- حیدرنتاج، وحید، ۱۳۸۹، باغ ایرانی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خادم‌زاده، محمد حسن، ۱۳۸۷، معماری دوره‌ی آل مظفر یزد، تهران: نشر همپا با مشارکت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان یزد.
- رفیعی سرشکی، بیژن، رفیع‌زاده، ندا، و رنجبر کرمانی، علی محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ مهرازی (معماری) ایران، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- طرب‌نائینی، محمد جعفر بن محمد حسین: ۱۳۵۳، جامع جعفری (تاریخ یزد در دوران نادری، زندگی و عصر سلطنت فتحعلی شاه)، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- فضل‌الله همدانی، رشیدالدین، ۱۳۵۶، «وقف‌نامه ربع‌رشیدی»، زیر نظر: مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- فیاض، محمدرضا، ۱۳۹۲، «نسلی بازمانده از استادکاران قنات (۱۹)»، هفته‌نامه ندای یزد، شماره‌ی ۱۲۸۸، ۲۳ مهر ۱۳۹۲، ص. ۳.
- فیاض، محمدرضا، ۱۳۹۳، «نسلی بازمانده از استادکاران قنات (۵۹)»، هفته‌نامه ندای یزد، شماره‌ی ۱۳۳۱، ۸ مهر ۱۳۹۳، ص. ۲.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۲۵۳۷، تاریخ جدید یزد، به تصحیح: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی بافقی، محمد مفید بن محمود، ۱۳۴۰، جامع مفیدی، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: کتابفروشی اسدی.
- یزدانی، کرامت، و سمساریزدی، علی اصغر، ۱۳۹۰، «نقش وقف‌نامه‌ی قنات دولت‌آباد یزد در پایداری مدیریت قنات»، همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، دوم اسفندماه، یزد.